



ضمیمه هفتگی روزنامه همشهری  
**صاحب امتیاز:** مؤسسه همشهری  
**مدیر مسئول:** محسن مهدیان  
**سر دبیر:** دانیال معمار  
**معاون ضمام:** حامد فوفانی  
**دبیر ویژه‌نامه:** ناصر احدی

**واحد فنی:**  
 مدیر فنی: حامد یزدانی  
 مدیر هنری: مهدی سلامی  
 طراح گرافیک و صفحه آرایی: محمد روشنگر  
 ویرایش عکس: کامبیز نویدی  
 صفحه خوانی و حرفه‌پژینی: همکاران واحد فنی تحریریه

**صندوق پستی:** ۱۹۳۹۵۵۴۴۶  
**تلفن:** ۲۳۰۲۳۶۱۷  
**نمابر:** ۲۲۰۴۶۰۶۷  
**پدیرش آگهی:** ۸۴۳۲۱۰۰۰  
**چاپ:** همشهری  
**توزیع و اشتراک:**  
 موسسه نشر گستر امروز نوین

**همیشه‌های**  
**گروه ضمام همشهری ناشر نشریات:**  
 دوچرخه، بچه‌ها، خانواده، پایداری، اقتصاد،  
 تندرستی، خردنامه، داستان، دانستنیها، ماه،  
 سرزمین من، معماری، ۲۴، شهرنگار، سرخ و محله  
**نشانی:** تهران، خیابان ولیعصر ۱۴، ترسیده به پارکوی،  
 کوچه شهید قریشی، شماره ۱۴، روزنامه همشهری

**آکاسترویدستی Asteroid City**

**ژانر:** کمدی درام **کارگردان:** وس اندرسون **بازیگران:** اسکارلت یوهانسون، جیسون شوآرتزمن، تام هنکس، نور تون، کرانستون

داستان: در یک برنامه تلویزیونی، با نمایشنامه‌نویس مشهوری آشنا می‌شویم که نمایشنامه‌های دربارہ یک عکاس جنگ نوشته که به تازگی همسرش را از دست داده و با ۳ دختر کوچک و پسرش به منطقه‌ای کوبری به نام آسترویدستی آمده تا پسر خجالتی و نابغه‌اش در مسابقه‌ای علمی شرکت کند. وقتی ماشین عکاس خراب می‌شود، او با پدرزنش تماس می‌گیرد تا برای بردن دخترها به آسترویدستی برود. جز عکاس و خانواده‌اش، خانواده‌های دیگری هم فرزندان شان را برای شرکت در مسابقه به آسترویدستی آورده‌اند، از جمله یک بازیگر مشهور زن که دخترش جزء شرکت کنندگان در مسابقه است. در شب مسابقه یک فضایی به محل مسابقه می‌آید و روز بعد حاضران در این محل قرنطینه می‌شوند و بعد با حل مشکل هر کس می‌رود دنبال زندگی خودش.

**IMDb**  
6.6/10

**Rotten Tomatoes**  
82%



قابلیت‌های ویژه آدم و از تباطش با پسر کوچک رئیس تشکیلات تا حدودی یادآور رابطه دنزل واشینگتن با دختر کوچک فیلم «مردی در آتش» تونی اسکات است. فیلم در ساختار روایی از همان الگوی «مردی در آتش» استفاده می‌کند، بدون کات‌های تند و تیز و نماهای مقطع و سبک بصری فیلم تونی اسکات. تروماهایی که آدم از گذشته دارد و رابطه‌اش با پسرک و خشم درونی و کم حرفی و هوش زیاد و قدرت فیزیکی بالایش همگی کلیشه‌ای‌اند و چیز جدیدی که تماشاگر را شگفت‌زده کند در فیلم پیدانمی‌شود. با این حال، فرزند ارشد این ژانر را راضی می‌کند، خصوصاً که آلبان لنوآر به خوبی می‌تواند از قابلیت‌های فیزیکی‌اش استفاده کند. دیدن اریک کانتونا هم در نقش ویکتور بی‌رحم مایه شگفتی نیست. آن اوایل حضور کانتونا در سینما درد افولش در فوتبال را التیام می‌بخشید ولی حالا دیگر سینما هم مرهم نیست.

**حباب عروسیکی The Beanie Bubble**

**ژانر:** کمدی درام **کارگردان:** کریستین گور و کولاش جونویر **بازیگران:** زک گالیفیناکیس، الیزابت بنکس، سیرا اسنوک، جرالدين ویزواناتان

داستان: تالی وارنر، تاجر آمریکایی که در کار بازاریابی مهارت دارد، در دهه ۱۹۹۰ میلادی موفق می‌شود عروسک‌هایی به نام «بینی بی‌بی» تولید کند که مردم دیوانه‌وار عاشق‌شان می‌شوند. هر کسی، فارغ از سن و سالش، می‌خواهد از این عروسک‌ها داشته باشد. تالی با همکاری زنان همراه خود موفق می‌شود که تجارتش را گسترش دهد و همزمان با رشد اینترنت و راه افتادن سایت‌های خرید و فروش آنلاین، عروسک‌های تالی ارزش کلکسیونی پیدا می‌کنند. تالی آنقدر که در کارش موفق است، در ارتباطش با رابی، شریک زندگی و حرفه‌ای‌اش، موفق نیست. تالی رابی را از کار کنار می‌گذارد و بعد با شیلا آشنا می‌شود، اما به او وفادار نمی‌ماند و حق و حقوق دستیارش، مایا، را هم که به رشد تجارتش کمک زیادی کرده نادیده می‌گیرد.

**IMDb**  
6.3/10

**Rotten Tomatoes**  
48%



فیلم همه کلیشه‌هایی را که مربوط به ظهور و افول شرکت‌های تجاری مشهور است به کار می‌گیرد. شخصیت اصلی ماجرا مطابق کلیشه‌ها به همان اندازه که انتظار می‌رود بدجنس است و حاضر نیست هیچ کس، مخصوصاً هیچ زنی را شریک موفقیتش کند. فیلم ۳ روزه دارد که همگی در هر کاری که می‌کنند محق‌اند و هیچ ارزش اخلاقی‌ای را زیر پا نمی‌گذارند، اما تالی هیولایی است ناتوان از تشکیل خانواده و عروسک‌هایش را که مثل فرزندان نداشته‌اش هستند برای ثروتمند شدن می‌فروشد. همین نگاه یکطرفه به این داستان واقعی و احق و ضعیف نشان دادن تالی و تشویق حرفان باهوش و قوی مؤنث فیلم را زمین زده است. در واقع نگرش فمینیستی فیلم به ضررش تمام شده، هر چند یکبار تماشايش كاملا بی‌ضرر است.

**راهنمای فیلم**

**زندگی‌های بی‌مهم**

در این صفحه فیلم‌های جدیدی را معرفی می‌کنیم که به تازگی در دسترس تماشاگر ایرانی قرار گرفته است. هر بار خیلی سراسر است و جمع‌وجور درباره فیلم می‌نویسیم تا بدانید کدام فیلم‌ها ارزش تماشا دارند. فقط هم فیلم‌های دیدنی را معرفی نمی‌کنیم؛ برای اینکه بدانید از چه فیلم‌هایی هم باید حذر کنید همین صفحه را بخوانید.

**IMDb**  
6.7/10

**Rotten Tomatoes**  
74%



معمولاً به راحتی می‌توان از تماشای فیلم‌های وس اندرسون لذت برد، اما تعریف کردن داستان‌شان کار اصلاً راحتی نیست. این همه بازیگر مشهور در نقش‌های کوچک و گاه حتی چندثانیه‌ای چه می‌کنند؟ اصلاً داستان چیست و فیلم می‌خواهد چه بگوید؟ مطمئناً فیلمی با این همه دقت و حساسیت به رنگ و نور و ترکیب‌بندی و به‌طور کلی فرم حرفی برای گفتن دارد. اما این حرف چیست؟ چرا به‌رغم اینکه خود فیلم خیلی پیچیده به‌نظر نمی‌رسد، اما درک چیزی که می‌خواهد بگوید اینقدر مشکل است؟ عناصر همیشگی فیلم‌های وس اندرسون در اینجا هم حضور دارند: پدر، فرزند، آدم‌های تنها، تلاش برای برقراری ارتباط با دیگران، میزانشن‌های بدون عمق، دنیای رنگارنگ کار تونی. این بار چیزهای دیگری هم اضافه شده مثل اکترز استودیو، برادوی، رابرت آنتمن، پالین گیل، «تکخال در حفره»، غرب وحشی، استیون اسپیلبرگ و چند چیز دیگر. سردرگمی بیشتر برای تماشاگر ولی توأمان لذت بیشتر.

**معمای قتل 2 Murder Mystery 2**

**ژانر:** اکشن کمدی معمایی **کارگردان:** جرمی گرلیک **بازیگران:** آدام سندلر، جنیفر آنیستون، مارک استرانگ، جودی ترنر اسمیت

داستان: ۴ سال بعد از ماجراهای قسمت اول، نیک و آدری که به‌عنوان کارآگاهان خصوصی تمام‌وقت کار می‌کنند، از دوست هندی‌شان، مهاراجه، دعوت‌نامه‌ای دریافت می‌کنند که آنها را به جشن عروسی‌اش در جزیره‌ای اختصاصی دعوت کرده است. در جزیره، آنها با خواهر مهاراجه و چند تن از همکاران و دوستان نزدیکش آشنا می‌شوند. مهاراجه در جشن عروسی دزدیده می‌شود و نیک و آدری اطرافیان مهاراجه را بررسی می‌کنند تا ببینند کدامیک می‌تواند در این کار دست داشته باشد. صبح روز بعد، یک گروه کارآگاهی حرفه‌ای به رهبری میلر وارد جزیره می‌شود، ولی آدم‌ریا فقط حاضر به معامله با نیک و آدری است. نیک و آدری برای تحویل پول درخواستی آدم‌ریا به پاریس می‌روند و در آنجا بعد از اینکه چندبار خطر از بیخ گوش‌شان می‌گذرد، در نبرد نهایی متوجه می‌شوند که خود میلر نقشه این آدم‌ریایی را کشیده است.

**IMDb**  
5.7/10

**Rotten Tomatoes**  
45%



اگر ذوق زندگی‌زاده از حد تماشاگران از قسمت اول نبود، قطعاً لازم نبود قسمت دوم این فیلم ساخته شود. قسمت اول لحظاتی داشت که شیمی رابطه (Relationship Chemistry) سندلر و آنیستون که در واقعیت از دوستان خانوادگی هم هستند، باعث موفقیت فیلم شد، اما در قسمت دوم این شیمی کلاز دست‌رفته و به موقعیت‌های لوس و بی‌مزه تبدیل شده که انفجارهای عظیم و صحنه‌های بدلکاری جای آن را گرفته است. معمای فیلم هم از کمدی‌اش و هم از اکشن‌اش نازل‌تر و قابل پیش‌بینی‌تر است. سندلر و آنیستون انگار بهتر از همه می‌دانند که این فیلم چیزی در چنته ندارد و برای قابل تماشا تر شدنش خودشان را به در می‌زنند، اما سر آخر هم نمی‌توانند کاری کنند و مثل خود فیلم شکست می‌خورند.